

معرفی کتاب



مامان بابا من غول نیستم

امروزه، موضوع کاهش جمعیت ایران و پیری جمعیت در کشورمان، موضوعی نیست که از کسی پوشیده باشد. همه ما از مشکلات و مصائب آن کم‌وبیش خبر داریم. اما برای مقابله با آن باید چه کرد؟ راهکارهای متفاوتی در سطح کلان و در سطح خانواده وجود دارد. کتاب «مامان بابا من غول نیستم»، اثری است که تلاش می کند بعد از طرح کردن یک معضل، راهکارهایی برای تغییر نگرش مخاطبانش به امر فرزندآوری و ضرورت‌ها و مواهب آن ارائه دهد. برای همین است که در فصل نخست، با ذکر حواشی و مثال های متنوع، تلاش می کند صورت مسئله را به خوبی در ذهن مخاطب جا بیندازد. سرفصل‌هایی مانند تعداد فرزندان یک فرهنگ است، ایران کشوری ۱۵۰ میلیون نفری، تک‌فرزندی، فرزندسالاری، کاهش جمعیت جوان و نخبه و... گویای این تلاش مؤلفان است. یکی از عوامل بلوغ زودرس، ارتباط فرزندان با افراد بزرگ‌تر است و تک‌فرزندها دائماً با پدر و مادر خود در ارتباط هستند. بلوغ زود هنگام آسیب‌هایی را به دنبال دارد. بلوغ جنسی را بلوغ عقلی کنترل می کند و اگر بلوغ جنسی زودتر از بلوغ عقلی حاصل شود، با ایجاد آسیب‌های فراوان، باعث اختلالات جنسی خواهد شد. در خانواده‌های دارای چند فرزند، فرزندان در دنیای کودکی خود خواهند بود اما در خانواده‌های تک‌فرزند، کودک همواره به کارهای پدر و مادر نگاه می کند و رفتارهای بزرگ‌ترها باعث بلوغ زودرس او خواهد شد.

در فصل دوم کتاب، مؤلف با فرض اینکه توانسته مسئله را به خوبی طرح و دغدغه‌اش را در مخاطب ایجاد کند، به سراغ راهکارها می‌رود. او ارائه راهکار را نخست به مسائل حاکمیتی مربوط می‌داند و معتقد است قبل از هر چیز در این زمینه باید همت به وجود بیاید. کاهش سن ازدواج و کاهش فاصله بین فرزندآوری و ازدواج برای شروع مطرح می‌شود و بعد به سراغ راهکارهای دیگری مانند کاهش سقط جنین و افزایش خدمات درمان ناباروری می‌رود که موضوعی کاملاً حاکمیتی است.

این کتاب سپس به جایگاه نقش مادری در جامعه می‌پردازد و عنوان می کند که باید این جایگاه بیش از پیش در جامعه ترویج شود تا فرزندان و والدین وظایف و تکالیف خود را در چارچوب نظام والد و فرزندی بشناسند و از تنش‌ها جلوگیری شود.

رفع نگرانی‌های ناشی از مشکلات معیشتی از دیگر راهکارهای ارائه شده است. کتاب معتقد است باید به مردم گفت که فرزندآوری باعث افزایش رزق می‌شود و از تنگدستی نهراسند و راه قناعت را در زندگی پیشه کنند. بعد از آن است که باید به ابهامات و تشکیک‌های مردم درباره رابطه افزایش جمعیت و مسائلی مثل رفاه، توسعه و بهداشت پاسخ قانع کننده داد.

در فصل پایانی کتاب نیز مؤلف، به تفصیل درباره ترس‌های فرزندآوری در جامعه امروز سخن می‌گوید؛ ترس‌هایی مثل تربیت نادرست، کاهش سلامت مادران، مشکلات مالی و... که احتمالاً در ذهن بسیاری از مردم ریشه دوانیده است.

عده‌ای دیگر ترس و نگرانی از ناتوانی برای تربیت درست فرزندان را دلیل بچه‌دار نشدن معرفی می‌کنند. این افراد یا به دلیل مشکلات خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و یا شناخت نادرست از ظرفیت و توانایی خودشان این موارد را بهانه‌ای برای تربیت نادرست فرزندان می‌دانند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

کتاب مامان بابا من غول نیستم، نوشته مسلم مافی و سعید شریف یزدی، با طرح جلد خاص خود، سال ۱۴۰۲ در انتشارات معارف به چاپ دوم رسیده است. این کتاب تلاش می کند به مردم یادآوری کند که کودکان غول‌های بی‌شاخ و دم و ترسناکی نیستند که این‌روزها تصور می‌شود بلکه منشأ خیر و برکت در زندگی هستند و باید هرچه بیشتر آن‌ها را به این دنیا دعوت کرد.



ویژه



سیاست‌های جمعیتی ایران در هشتاد سال گذشته نوسانات زیادی داشته است. از تلاش برای کاهش فرزندآوری تا تشویق به افزایش اعضای خانوار، از هشدار انفجار جمعیت تا هشدار پیری جمعیت. در این گزارش تلاش کرده‌ایم تا مروری کلی به موضوع سیاست‌های جمعیتی ایران داشته باشیم.

سیاست‌های کنترل موالید در جهان به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در واقع، جمعیت و تأثیر عوامل محیطی، سیاسی و اجتماعی بر آن مسئله‌ای بود که جمعیت‌شناسان متوجه آن شدند. تغییرات انسانی و غیرانسانی جنگ، موجب تولد و ظهور نسل‌هایی شد که خواسته‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوتی نسبت به پدران خود داشتند. از طرف دیگر بحران‌های اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت. فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده (IPPF) از همان دهه پنجاه میلادی، تمرکز خود را بر آگاهی‌رسانی درباره راه‌های پیشگیری از بارداری و افزایش وسایل و جراحی‌های پیشگیری از بارداری گذاشت تا جمعیت جهان کنترل شود.

سیاست کنترل جمعیت پیش از انقلاب

در ایران نیز بعد از برگزاری چند سرشماری عمومی، نشانه‌های انفجار جمعیت مشخص و واسط دهه چهل پیش‌بینی شد که جمعیت در عرض بیست و چند سال ۱۰۰ میلیون نفر می‌شود. چون هر سال جمعیت ایران با رقم ۳ درصد رشد، زیادتر می‌شد. این موضوع با توجه به شرایط و مشکلات ایران آن زمان، به نظر خطرناک می‌رسید. به همین دلیل اولین برنامه کنترل جمعیت ایران در همان سال‌ها در سطح شهرها و روستاها اجرا شد که در ابتدای امر با توجه به شرایط سخت دسترسی به روستاها، تنها ۲۰ درصد از زنان را پوشش داد. با این حال، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» کلید خورد و توانست تا حد قابل‌قبولی از رشد سریع جمعیت ایران جلوگیری کند. البته عدد مطلوب این برنامه کاهش از سه درصد به یک درصد بود اما متوسط فرزندان هر زن، تا وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی از هفت به شش فرزند کاهش یافت.



نیکلاس ابرشتات، جمعیت‌شناس آمریکایی درباره بحران جمعیت در ایران می‌گوید: «کاهش نرخ باروری در ایران طی سه دهه گذشته حیرت‌انگیز و چیزی حدود ۷۰ درصد بوده است. این میزان یکی از پرشتاب‌ترین آمارهای کاهش میزان نرخ باروری در جهان و در میان کشورهای اسلامی است.» افزون بر این، شاخص

سالخوردگی از حدود شش درصد در سال ۶۵به حدود ۲۵ درصد در سال ۹۵ رسیده و این درصد همین طور در حال افزایش است.

با کنار هم گذاشتن این دو مورد کنار هم می‌توانیم متوجه شویم که ما همین الان در میانه یک بحران جمعیتی هستیم. بنابراین، فرصت زیادی برای جبران مشکلاتی که در سال‌های آینده قطعاً درگیر آن می‌شویم نداریم. در این سال‌ها، توجه مسئولان و مدیران کشور و در رأس آن‌ها مقام معظم رهبری، به این مسئله مهم جلب شده است. رهبری بارها و بارها درباره موضوع جوانی و افزایش جمعیت هشدار داده‌اند و راهکارهای خودشان را هم در مقاطع مختلف ارائه کرده‌اند.

مثلاً در سال ۱۳۹۲ رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «یکی از خطرانی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسئله جمعیت است. مسئله جمعیت را جدی بگیرید، جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند، به جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست، یعنی مسائل جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا نه، سال دیگر فکری کنیم، وقتی نسل‌ها پیر شدند دیگر قابل علاج نیست.»

بانکی‌پور، رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت در مجلس شورای اسلامی درباره علت کاهش موالید در یک دهه گذشته توضیحاتی به این شرح داده است: «از سال ۱۳۹۴ به بعد، نرخ باروری در کشور رو به کاهش رفته است. دلیل اصلی اتفاق مذکور این است که کسانی که در دوران تنظیم خانواده و کاهش تولد فرزند کمتر، زندگی (بهتر) به دنیا آمده بودند به دوره مادر شدن رسیده بودند.

نگاهی به تاریخچه سیاست کنترل موالید در ایران

کمتر یا بیشتر، کدام بهتر است؟

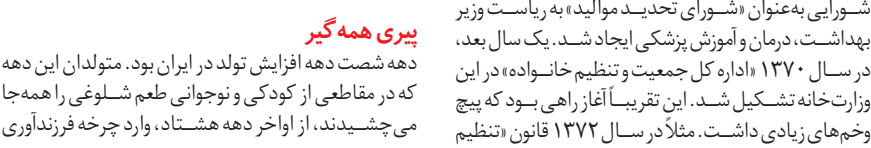


جنگ و افزایش جمعیت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌های کنترل جمعیت در عمل متوقف شد. در واقع رخداد پیاپی انقلاب و جنگ، باعث شد مردم بیشتر به فکر افزایش جمعیت کشور بیفتند تا از این طریق دوام و ثبات انقلاب و جمعیت کشور را تضمین کنند. جنگ تحمیلی هشت سال به طول انجامید و در این مدت، علی‌رغم مشکلات فراوان معیشتی، تمایل مردم به فرزندآوری بیش از گذشته شد. طوری که پس از پایان جنگ متخصصان متوجه خطر یک انفجار جمعیت در ایران شدند و برای حل آن به فکر چاره افتادند. پس از بررسی فراوان، بنا بر آن شد که تمام دستگاه‌های دولتی موظف شوند فرزندآوری را در کشور تا حد یک، دو یا حداکثر سه فرزند کاهش دهند.

سیاست تنظیم خانواده

اگر بخواهیم دقیق‌بگوییم، در سال ۱۳۶۸ دولت وقت برنامه‌ای را با عنوان «تنظیم خانواده» ابلاغ کرد که بر اساس آن وزارت‌خانه‌های بهداشت، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش و نیز صدا و سیما مسئول اجرای برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی برای کاهش جمعیت شدند. در سال ۱۳۶۹ نیز شورایی به‌عنوان «شورای تحدید موالید» به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایجاد شد. یک سال بعد، در سال ۱۳۷۰ «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده» در این وزارت‌خانه تشکیل شد. این تقریباً آغاز راهی بود که پیچ وخم‌های زیادی داشت، مثلاً در سال ۱۳۷۲ قانون «تنظیم



طی ۱۰ سال گذشته نزدیک به ۲٫۵ میلیون نفر از مادران ۲۵ تا ۴۰ سال کاهش یافته‌اند و بیشترین آمار باروری نیز در این گروه سنی رخ می‌دهد.»

حمایت از جوانی جمعیت

کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، همان جایی است که در سال ۱۴۰۰، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را در نهایت با ۷۳ ماده و ده‌ها تبصره تصویب کرد. در این قانون وظایف همه اشخاص و نهادها از ریاست‌جمهوری تا سازمان صدا و سیما در نظر گرفته شده است.

جباری، رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت به نقش پررنگ مسائل و تبلیغات فرهنگی در سالمند شدن جمعیت ایران اشاره کرد و گفت: «ارتباط دادن کاهش فرزندآوری به مسائل معیشتی و اقتصادی، آدرس غلط دادن به مردم است. البته این به معنای آن نیست که به وضعیت معیشتی افراد بی‌توجه باشیم و آن را بی‌تأثیر بدانیم اما مسائل فرهنگی بسیار بیشتر از مشکلات اقتصادی در افزایش تمایل به فرزندآوری دخیل است. یعنی انگاره‌های ذهنی زوجین در این باره دچار اشکال است که دچار کاهش جمعیت شده‌ایم.»

از سال ۱۳۹۲ که رهبری درباره عوارض پیری جمعیت هشدار دادند تا مهر ماه امسال که برای چندمین بار فرمودند: «وزیر بهداشت به‌طور جدی مسئله جمعیت را پیگیری کند و با اقدامات لازم از جمله نظارت بر شبکه بهداشت جلوی موانع افزایش جمعیت را بگیرد؛ چراکه کشور به جمعیت جوان احتیاج دارد و در صورت دچار شدن به عاقبت تلخ پیری جمعیت، دیگر علاجی وجود ندارد.» راه درازی طی شده است؛ قانون‌های زیادی تصویب شده‌اند و رسانه‌های تصویری و صوتی، فضای مجازی و بیلبوردهای شهرداری نیز دست به کار شده‌اند تا مسئله را از بعد فرهنگی جلو ببرند. برای همین است که از سال ۱۴۰۰، شیب کاهش موالید در ایران از حالت سقوط خارج شد و تبدیل به یک شیب ملایم‌تر شد تا امیدها برای تغییر جهت

● یکشنبه ۶ آبان ۱۴۰۳ ● شماره ۴۵۳

شدند. اما در این سال‌ها در ایران چه خبر بود؟ دیگر سال‌ها بود جنگ تمام شده بود و امید به زندگی ایرانیان هم تا حدی بالاتر رفته بود. دولت سازندگی و اصلاحات هم کارهای خود را پیش برده بودند. بنابراین جمعیت‌شناسان دوباره وارد چرخه نظریه‌پردازی درباره سرنوشت جمعیت ایرانی شدند. خطر بیخ گوشمان بود؛ خطری شاید حتی بزرگ‌تر از انفجار جمعیت یعنی پیری جمعیت.

پیش‌بینی می‌شد که جمعیت ایران به زودی و با سرعت زیادی به سمت سالمندی برود. تک‌فرزندی داشت تبدیل به یک فرهنگ ماندگار در میان مردم می‌شد. در سرشماری سال ۱۳۹۰ مشخص شد که نرخ رشد جمعیت ایران به رقم ۱٫۳ کاهش یافته است که برای تنها بیست سال عدد حیرت‌انگیزی بود.

کارشناسان و سیاست‌مداران حالا با توجه به تغییر شرایط اقتصادی و سیاسی کشور دوباره دست به کار شدند تا اوضاع را بهبود بخشند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، از اولین افرادی بودند که در این‌باره هشدار دادند و ایشان دستورات لازم را برای افزایش جوانی جمعیت صادر کردند. رهبر انقلاب ایران، از مادران خواستند فرزندآوری کنند و فرزندان بیشتری داشته باشند. وزیر بهداشت ایران هم گفت: «بودجه برنامه کنترل جمعیت به‌طور کامل حذف شده است و چنین پروژه‌ای به آن شکل که قبلاً بود در وزارت بهداشت وجود ندارد.» دولت وقت مخالفت خود را با برنامه‌های کنترل جمعیت دهه‌های پیش اعلام کرد و رئیس‌جمهور هم گفت که جمعیت ایران باید ۱۵۰ میلیون نفر شود.

شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» تبدیل به «با یک گل بهار نمی‌شود» و «فرزند بیشتر زندگی شادتر» شد. تبلیغات رسانه‌های عمومی و حتی بیلبوردهای شهرداری به تشویق فرزندآوری تغییر یافتند. هم‌زمان در دولت‌های مختلف نیز خبر می‌رسید که بودجه‌هایی برای تشویق مردم به فرزندآوری تدارک دیده شده است. مثلاً روش‌های پیشگیری از بارداری برگشت‌ناپذیر از دایره خدمات عمومی وزارت بهداشت خارج شد. این تنها یک مورد از موارد سلبی و ایجابی تشویق مردم به فرزندآوری در حدود ۱۵ سال گذشته است.

حالا امروز، در حوالی پاییز ۱۴۰۳ جمعیت ایران نزدیک به ۹۰ میلیون نفر است. در واقع از هر ۱۰۰ انسان کره زمین یک نفر ایرانی است. ایران برای مقابله با سالخوردگی جمعیت، راه درازی در پیش دارد. راهی که بخش عمده آن از بهبود شرایط معیشتی طبقه متوسط کشور می‌گذرد و البته نقش فرهنگ‌سازی در این زمینه بسیار پررنگ است.



گذاشته شد که از این سیاست جلوگیری بشود- درست انجام نمی‌گیرد؛ بعضی جاها همچنان در بر پاشنه قبل می‌گردد.»

اسفند-۱۳۹۶: «مسئله تکثیر نسل، تکثیر اولاد در جامعه مطرح شد، خب مسئولین هم همراهی کردند، موافقت کردند، من می‌شنوم در گوشه و کنار، بر خلاف آن عمل می‌کنند. این چیزی است که غربی‌ها می‌خواهند. غربی‌ها با افزایش عدد مسلمان‌ها مخالفند، با افزایش عدد ملتی که جوان‌هایش می‌توانند در عرصه ظاهر بشوند و کشور را به اوج برسانند، معلوم است که مخالفند.» خرداد-۱۳۹۷: «اخیراً دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خبیث تجویز نسخه هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود! چشمتان چها‌رتا! ان‌شاءالله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید.» فروردین-۱۳۹۸: «امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن‌ها خیلی امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است. با اینکه مشکلاتی هم دارند اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای آن‌ها توانسته موفقیت‌هایی را به‌وجود بیاورد. بنابراین نسل باید افزایش پیدا کند؛ اینکه من تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، به‌خاطر این است.»

بهمن-۱۴۰۰: «امروز اگر ما به فکر تکثیر نسل نباشیم، مسئله فرزندآوری را امروز اگر چنانچه برایش فکر نکنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر، دیر خواهد بود؛ کشوری خواهیم شد که عنصر لازم برای حرکت پیشرفت را، یعنی جوان را، به قدر کافی در اختیار نخواهد داشت. امروز باید به فکر فردا بود.»

بهمن-۱۴۰۱: «اگر آن روزی که ما جوان کم داریم، کشور ثروتمند نباشد، نمی‌تواند دیگر ثروتمند بشود.» درپچه‌های افزایش جمعیت و جلوگیری از سالخوردگی ایران، امروز باز هستند اما با مروری بر تأکیدات رهبری می‌توان فهمید که این درپچه برای همیشه باز نمی‌ماند.